پيام به مناسبت دومين سالگرد ارتحال حضرت امام خميني - 13 /خرداد/ 1370

در آستانه ي دومين سالگرد رحلت جانسوز حضرت امام خميني قدس سره الشريف ، حضرت آيت الله خامنه اي رهبر معظم انقلاب اسلامي پيام مهمي به اين شرح صادر فرمودند:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم
الم تر كيف ضرب‌الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها في السماء تؤتي اكلها كل حين باذن ربها و يضرب‌الله الامثال للناس لعلهم يتذكرون
بار ديگر چهاردهم خرداد فرا رسيد، روز عزاي بزرگ جهان اسلام، روزي كه در آن، ايران، صبحي بي‌خورشيد را آغاز كرد، روزي كه انقلاب، ديگر ضربان آن قلب تپنده را نشنيد، روزي كه‌در سراسر جهان، هرجا مسلمان دردمند يا انسان آزاده‌يي بود احساس يتيمي كرد. روزي كه ملت ايران، صخره‌ي استواري را كه بدان تكيه كرده بود و سرو بلندي را كه در سايه‌ي آن آرميده بود و روح بزرگي را كه كعبه‌ي عشق و ايمان خود ساخته بود، در كنار خود نيافت، روز عزا، روز امتحان، روزفقدان بزرگ و روز ميثاقي ابدي با آن كه جامه‌ي عاريت را با حيات‌ابدي تبديل كرده بود.
آري در آن روز نعمت مجاورت عيني و حضور جسماني امام از دست ما گرفته شد و شعله‌ي برقي كه به قدرت الهي در فضاي‌زندگي آلوده و مادي اين زمانه، درخشيده بود، خاموش گشت، اما از سويي معرفت امام ابعادي تازه يافت و به بركت يادآوري لحظه‌هاي تكرارنشدني سالهاي آن رهبري شگفت‌آور و بي‌نظير، ذهن ها به تأمل و تدبري كه عادتاً تا كسي زنده و در دسترس است، رخ نمي‌دهد، روي آورد و چشمها، خورشيد فروزان و گرمابخشي را كه اكنون ستاره‌يي دوردست شده بود، به رصد نشست.آنچه در ستايش آن يگانه‌ي زمان و مجدد دوران، در روزي و هفته‌يي چند برزبانها و قلمها و در شعرها و مقاله‌ها آمد، در همه‌ي دوران رهبريش نيامده بود و اين براي نسل معاصر كه سالها دچار تبليغات عنادآميز و فضاي غبار آلوده‌ي دوران انقلاب و جنگ تحميلي بود ، فوزي عظيم به شمار مي‌رفت و مي‌رود. و از سوي ديگر احساس خلاء امام كبير و عظيم، دلهاي انديشناك از خطرات محتمل را، يكدل كرد و همه را بر صراط مستقيم خط امام و دفاع از ميراث گرانبهاي او يعني نظام اسلامي و ارزشهاي انقلاب ثابت قدم ساخت. شور و همتي تازه به ملت و عزم و تلاشي كم سابقه به خدمتگزاران كشور و قوت و استحكامي بيش از گذشته به رابطه‌ي ملت و دولت بخشيد و بركات پايان ناپذير آن سلاله‌ي پيامبران و منادي راه صالحان پس از رحلت از اين جهان نيز كشور و ملت و انقلاب را شامل شد: "فسلام عليه يوم ولد و يوم ارتحل و يوم يبعث حيا".
اكنون با گذشت دو سال از آن حادثه‌ي تلخ اگرچه سالگرد روزي كه در آن از زمين و آسمان، غم مي‌روييد و مي‌باريد، بار ديگر كامها را تلخ و دلها را سرشار از اندوه مي‌كند، اما مشاهده‌ي اين‌كه امام عظيم‌الشأن ما همچنان در همه‌ي مشاهد و مناظر انقلاب، حاضر و ناظر و چون خورشيد، پرتو افشان است، دلها و جان ها را از اميد و اطمينان سرشار مي‌سازد. خدا را شكر كه طمع و پيش‌بيني دشمنان كه مترصد بودند با درگذشت امام، كشور را دچار هرج و مرج، انقلاب را مواجه با بن‌بست، ملت ايران را آشفته، و توطئه‌هاي خود را موفق ببينند، سراب شد و نيرنگ و افسون آنان كه كوشيدند كشور و ملت و دولت را از راه امام بگردانند، با هوشياري و تعهد مسؤولان و حضور دايمي مردم در صحنه، خنثي گشت و راه امام و خط روشني كه در برابر ملت ترسيم كرده بود با قوت و قاطعيت‌ادامه يافت.
اكنون در كنار خاطره‌ي تلخ چهاردهم خرداد، اين واقعيت‌شيرين در برابر چشم ماست كه امام راحل، اگر نه به جسم، اما با فكر و راه و وصيت هميشه‌زنده‌ي خود، در كنار ماست و زنده است و به فضل وقدرت خدا هيچ قدرتي نخواهد توانست اين حضور و اين حيات را سلب كند و جمهوري اسلامي را از پدر و بنيانگذار و معلم بزرگ خود جدا سازد.
اينك اينجانب از اين فرصت براي ذكر نكاتي چند استفاده مي‌كنم:
اول آن كه دشمنان كه نتوانسته‌اند ـ و به ياري خدا هرگز نخواهند توانست ـ ايران اسلامي را از راه امام راحل و خط

فكري ـ سياسي او جدا كنند، تلاش مي‌كنند در تبليغات زهرآگين خود وانمود كنند كه چنين چيزي اتفاق افتاده و جمهوري اسلامي از مبدأ و ريشه و بنيان خود جدا افتاده است. آنان به ويژه در مواردي اين سخن باطل را با جنجال بيشتري از بوقهاي تبليغاتي دشمنان تكرار مي‌كنند كه جمهوري اسلامي در يكي از صحنه‌هاي جهاني يا داخلي به‌موفقيت و موقعيتي دست يافته باشد. هدف آنان از اين سمپاشي، تحت تأثيرگرفتن افكار عمومي مسلمانان به‌پا خاسته و انقلابي در كشورهاي اسلامي است كه با بيداري و اميدي كه از پيروزي و پايداري ايران اسلامي‌سرچشمه گرفته، هم‌اكنون كار را بر ايادي استكبار در بسياري از اين كشورها دشوار ساخته‌اند. استكبار و شبكه‌ي تبليغاتي وابسته به آن همت گماشته‌اندكه اميد و خوش‌بيني اين مسلمانان به‌پا خاسته را مبدل به نوميدي و بدبيني كنند، و براي اين مقصود هيچ چيز بهتر و مؤثرتر از آن نيست كه انقلاب اسلامي پيشاهنگ و بن‌بست‌شكن ملت ايران را، ناكام و ناتوان جلوه دهند و چنين قلمداد كنند كه ايران اسلامي در مواجهه با مشكلات، مجبور شده است از راه اسلام ناب محمدي صلي‌الله‌عليه‌واله‌وسلم و خط روشن امام خميني قدس‌سره روي بگرداند.
اينجانب با قوت و قاطعيت اعلام مي‌كنم كه اين ترفند استكبار خود دليل محكمي بر عجز آنان در مقابله باانقلاب اسلامي ايران و نشان بارزي بر تداوم اين راه مقدس در زادگاه نظام نوين اسلامي است. ملت ايران، بهتر از هر كس دانسته است كه يگانه سنگر مستحكم در برابر زر و زور اردوگاه استكبار و به ويژه امريكاي غدار كه امروز علناً دم از سلطه‌گري بر ملل مظلوم و ضعيف مي‌زند ، تمسك به اسلام و قرآن و پايبندي به اصول نجاتبخش آن است، و انحراف از اين اصول، راه را بر نفوذ دشمنان اسلام باز و آنان را در سلطه‌ي انتقامجويانه بر ملتي كه بزرگترين ضربه را بر منافع نامشروع و حيثيت دروغين مستكبرين وارد آورده كامياب مي‌سازد از آن روست كه اين ملت هوشمند و شجاع از لحظه‌ي اوجگيري نهضت عظيم خود همواره با همه‌ي وجود از اسلام ناب محمدي صلي‌الله‌عليه واله‌وسلم دفاع كرده و هوشيارانه با ترفندها و توطئه‌هايي كه از سوي سردمداران استكبار و متوليان اسلام آمريكايي هدايت مي‌شده مبارزه كرده است. و ان‌شاءالله همواره چنين خواهد بود.
ديگر آن كه درماههاي اخير ـ و در اجراي همان سياستي كه هم اكنون گفته شد ـ مسأله‌يي به نام رابطه ميان جمهوري اسلامي با كشورهاي غربي، در آشفته بازار شايعه و خبرسازي امپراتوري خبري استكبار، سر برآورده و مورد بحث و تفسيرها و ادعاها و اعمال نظرهاي گوناگون شده است و بديهي است كه بوق هاي تبليغاتي از چندين سوي مختلف اما همه با انگيزه‌ي مبارزه با جمهوري اسلامي و به زير سؤال بردن اين نظام الهي و مردمي و وارد آوردن ضربه‌ي حيثيتي به آن، از اين مسأله بهره‌برداري كرده‌اند.
اينجانب با اعتماد و اطمينان به هوشياري و قدرت تحليل كه بحمدالله به بركت انقلاب درميان اقشار مردم ما رايج است لازم مي‌دانم اعلام كنم كه برخلاف ادعا و ميل سخنگويان استكبار، خطوط اصلي سياست خارجي جمهوري اسلامي كه‌پايه‌ي عمده‌ي آن اصل "نه شرقي و نه غربي" است تغيير نيافته و هرگز هم قابل تغيير نيست و جنجال هوچيگرانه‌ي دشمنان قادر نيست دولت و
ملت‌ايران اسلامي را از راهي كه با بصيرت انتخاب كرده و با معرفت پيموده است منحرف سازد.
آن روزي كه در تقسيم بندي جهان ميان بلوك شرق و بلوك غرب، دولت ها و رژيم ها و حتي تحولات سياسي و انقلابي كشورها ناچار بايد به يكي از اين دو مجموعه ملحق شده و زير نفوذ سران آن يعني شوروي يا آمريكا قرار مي‌گرفتند، اصل "نه شرقي و نه غربي"، اعلام شكستن اين طلسم همگاني و رهايي از نفوذ و قدرت هر دو ابرقدرت آن زمان بود. و امروز كه با تحولات شوروي و اروپا، بلوك شرق منهدم گشته و شوروي از جايگاه ابرقدرتي فرو افتاده و رژيم امريكا در صحنه‌يي به‌ظاهر بي‌رقيب، به تظاهرات مستانه و غرورآميز خود سرگرم است و بدون پايبندي به قيود و رسوم معمول روابط جهاني، قلدرانه مطامع خود را بر مصالح همه‌ي ملت ها ترجيح داده و در هر كاري خودسرانه دخالت مي‌كند و براي تأمين آنچه منافع خود فرض كرده، عنان گسيخته هر جنايتي را مرتكب مي‌شود و بي‌محابا دست خود را تا مرفق به خون بي‌گناهان مي‌آلايد، و هر دو بلوك سابق شرق و غرب را، عرصه‌ي حضور نظامي و جاسوسي و تبليغات و بهره‌كشي خود قرار داده است، اصل "نه شرقي و نه غربي "به معناي عدم تسليم در برابر اين افزون خواهي مستكبرانه و مقابله‌ي جدي با دست‌اندازي آن رژيم به منافع امت اسلامي و رد و نفي رسوم

و قيودي است كه آن رژيم به‌جاي اصول پذيرفته‌ي بين‌المللي از سوي خود و براي حفظ مطامع خود، وضع وجعل كرده است.
جمهوري اسلامي رابطه با رژيم امريكا را كه رمز و نشانه‌ي قلدري و سلطه‌ي ناحق و مظهر ستم به ملتهاي ضعيف عالم است، مردود مي‌داند و تا وقتي آن رژيم ، مستكبرانه به ملتها ظلم مي‌كند، دردولت ها و كشورها دخالت مي‌كند، از رژيمهاي نامشروعي چون رژيم منفور صهيونيستي حمايت مي‌كند، با نهضتهاي آزاديخواهانه و بيداري ملت ها ستيزه مي‌كند و به خصوص با ملت مسلمان پيشگام ايران و ملتهاي به پاخاسته‌ي مسلمان دشمني مي‌ورزد، هرگز با آن رژيم رابطه برقرار نخواهد كرد.
رابطه‌با ديگر كشورها چه اروپايي و چه آسيايي و آفريقايي، و چه كشورهاي پيشرفته‌ي صنعتي و چه غير آنها تا آن‌جا كه به تشخيص مسؤولين در جهت منافع و مصالح كشور و ملت باشد براي ما هميشه مطلوب بلكه لازم بوده و است و مسؤولين دولتي موظف بوده و هستند آن را هوشمندانه و پيگير، تأمين‌كنند; و آنان و همه‌ي ملت بدانند و مي‌دانند كه ايجاد اين روابط و تحكيم آن هيچ‌گونه خدشه‌يي به اصل "نه شرقي و نه غربي" وارد نمي‌سازد.
ديگر آنكه در نظام اسلامي اگرچه رسم و سنت انتقاد و نصيحت مشفقانه به مسؤولين، يكي از مواهب الهي و مفاخر اسلامي و مايه‌ي رشد و ارتقاء و پيشرفت امور و مصداق بارز فريضه‌ي امر به معروف است و بايد در جامعه بماند و توسعه و كيفيت بيابد، ولي مخلوط كردن اين كار مستحسن و لازم با اشاعه‌ي روحيه‌ي بدبيني و سوءظن به كارگزاران اصلي كشور و بدگويي ازآنان كه به تضعيف روحيه يا تضعيف جايگاه آنان بينجامد خطايي بزرگ و خيانت‌آميز خواهد بود.
اگر كساني با گفتن و نوشتن يا رفتار متعمدانه‌ي خود، بذر شك و ترديد نسبت به مسؤولان بلندپايه‌ي كشور را در دل ها بيفشانند و فضا و افق را تيره و يأس‌آور جلوه دهند با هيچ توجيه و بياني نمي‌توان آنها را خدمتگزار و خيرخواه به حساب آورد. اين كار در كشور ما كه ازنظامي اسلامي و انقلابي، و مسؤولاني كاملاً مردمي، و ملتي با اخلاص و فداكار، و صميميتي بي‌نظير ميان مردم و مسؤولان، و استعداد و ظرفيتي درخشان براي كار و پيشرفت، و حيثيتي برجسته در جهان و ميان ملتهاي عالم برخوردار است بي‌شك ضربه به آينده‌ي كشور و خيانت به آرمانهاي انقلاب محسوب مي‌شود و گناهي نابخشودني است.
اين‌جانب به پيروي از راه و روش هميشگي امام عظيم‌الشأن راحل، دفاع از همه‌ي نهادهاي قانوني كشور را وظيفه‌ي عاجل خود دانسته، پشتيباني از دولت و مجلس شوراي اسلامي و قوه‌ي قضاييه و ديگر دستگاه هاي قانوني را بر خود واجب مي‌دانم و هيچ‌گونه برخورد خصمانه و تضعيف آميز نسبت به مسؤولان صديق و دلسوز كشور را تحمل نخواهم كرد. و بويژه دفاع از رئيس جمهور محترم و دولت خدمتگزار را كه با تفضلات الهي امروز به وسيله‌ي يكي از درخشانترين چهره‌هاي انقلاب و يكي از كارآمدترين مغزها و بازوهاي كشور و كسي كه درطول مبارزات شانزده ساله و در دوران دوازده‌ساله‌ي پس از پيروزي هميشه در خط مقدم انقلاب و در جايگاه ممتاز آن قرار داشته، اداره مي‌شود، برهمگان واجب مي‌دانم. البته مسؤولان و كارگزاران كشور بايد بدانند و مي‌دانند كه توجه به انتقاد و نصيحت، و زدودن معايب و نقايص كارها، و رعايت اصول و موازين نظام اسلامي، و حفظ جهتگيري هاي انقلابي، وظيفه‌يي است كه صلاحيت هر مسؤولي در جمهوري اسلامي، وابسته به رعايت آن و محترم شمردن آن است.
در نظام اسلامي، عدالت، مبناي همه‌ي تصميم گيريهاي اجرايي است و همه‌ي مسؤولان نظام، از نمايندگان محترم مجلس شوراي اسلامي، تا مسؤولان بخشهاي مختلف اجرايي بخصوص رده‌هاي سياستگذاري و كارشناسي، و تا قضات و اجزاي دستگاه قضايي بايد به جد وجهد و با همه‌ي اخلاص، درصدد اجراي عدالت در جامعه باشند. امروز درجامعه‌ي ما برترين گام در راه استقرار عدل، رفع محروميت از طبقات محروم و تهيدست و كم درآمد است كه غالبا بيشترين بار نظام را در همه‌ي مراحل بردوش داشته‌اند و دارند و همواره با اخلاص و صميميت از انقلاب و اسلام دفاع كرده‌اند.دفاع از قشرهاي محروم كه صاحبان واقعي انقلابند بايد در رأس همه‌ي برنامه‌ريزيهاي كشور و محور كليه‌ي تحركات اقتصادي در بخشهاي مختلف آن باشد و صحت هر سياست و برنامه‌ي اقتصادي با چگونگي و

اندازه‌ي پيشرفت در اين هدف، در كوتاه مدت يا بلندمدت، سنجيده شود.
همچنين مسؤولان نظام اعم از نمايندگان محترم مجلس و مأموران اجرايي و قضايي بايد مراقب باشند كه از عوارضي كه در نظامهاي طاغوتي و غيرمردمي، بيماري همه‌گير كارگزاران است، خود را با دقت و وسواس، دورنگهدارند، بيماري رفاه‌زدگي و عشرت‌طلبي، بيماري زدوبند نامشروع و فسادمالي و اداري، بيماري تكبر و دوري از مردم و بي‌اهميتي به نياز و خواست و اراده و حضور آنان، بيماري دسته‌بنديهاي ناسالم و ترجيح مقاصد باندي بر مصالح عمومي و امثال اينها كه ابتلاي به آن مانند موريانه پايه‌هاي هر نظامي را سست و پوك مي‌كند، و يا دل‌سپردن به سنتهاي طاغوتي و رغبت به احياء آنها و بي‌تفاوتي يا بي‌اعتنايي به ارزشهاي اسلامي و انقلابي‌كه دل را مي‌ميراند و نشاط و شوق خدمت به مردمي را كه مخلصانه جان ومال خود را در راه انقلاب داده‌اند، سلب مي‌كند و آنان را نوميد و غمگين مي‌سازد.
مأموران نظام در هر بخش مخصوصاً در بخشهاي كارشناسي و برنامه‌ريزي بايد بدانند كه يگانه نجاتبخش كشور و ملت از شر سلطه‌ي دشمنان و جباران و از شر فقر و جهل كه ميراث شوم طواغيت است رعايت ارزشهاي اسلامي و عدل اسلامي و تكيه بر استعدادهاي انساني اين ملت ونيروهاي خالص و مخلص آن است، و هم اين است كه كشور را از وابستگي به بيگانگان و نياز به دشمنان نجات خواهد داد.
سخن آخر آن‌كه در فاصله‌ي ميان دو سالگرد حضرت امام قدس سره‌الشريف عنايات حضرت حق‌جل‌و علا و توجهات ولي‌اللهالاعظم روحي‌فداه شامل حال ملت ما گشت و حقوق تضييع شده‌يي به اين ملت سرافراز و عظيم‌الشأن برگردانده شد كه مهم ترين آن بازگشت پيروزمندانه‌ي آزادگان عزيز و سربلند ما بود. اين‌جانب ضمن شكرو سپاس به درگاه پروردگار بار ديگر ياد و نام اين عزيزان را كه هم‌اكنون‌در تهران مجمعي بزرگ فراهم آورده و از سراسر كشور به تجديد عهد شواي عالي قدرشان شتافته‌اند گرامي داشته، به خانواده‌هاي محترم شهداي بزرگوار و جانبازان فداكار و رزمندگان غيور و بااخلاص، ضمن عرض‌ارادت، يادآوري مي‌كنم كه اين نيز محصول پايداري و صبر شما و رهبري آن‌امام راحل عالي مقام رضوان‌اللهعليه است; "ولينصرن الله من ينصره ان‌الله لقوي عزيز".
همچنين لازم مي‌دانم با تجليل از خاطره‌ي قيام خونين پانزدهم خرداد، از شهداي مظلوم آن روز كه در ظلمات سلطه‌ي طاغوتي، غريبانه به خون تپيدند، ياد كرده علو درجات آنان را از ايزد منان طلب‌نمايم. از خداوند متعال دوام فيوضات و بركاتش بر اين ملت و بر همه‌ي مسلمين عالم و نصرت و ياريش براي مستضعفان و ستمديدگان جهان را مسألت مي‌كنم.
والسلام عليكم و رحمةالله.
نوزدهم ذيقعدةالحرام 1411 هجري‌قمري
برابر با سيزدهم خرداد ماه سال 1370 هجري شمسي
سيد علي خامنه‌اي